

مجله پژوهش‌های اسلامی
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان
سال اول، شماره اول، پاییز ۱۳۸۶

تحلیل ادبی آیات پرسشی مجازی در گستره کلام الهی*

دکتر شاهرخ محمدیگی
دانشیار دانشگاه شیراز
منیژه تفتحی
کارشناس علوم قرآن

چکیده

این تحقیق به روش کتابخانه‌ای انجام شده و در آن از کتابهای تفسیری شیعه و سنی، که آیات را از جنبه بلاغی نیز بررسی کرده‌اند، استفاده شده است. از آنجا که قرآن عنوان سند نبوت پیامبر (ص) و منبع اصلی هدایت امت است و مهمترین و زیباترین روش حکیمانه خداوند برای برنامه‌انسانسازی را در بردارد، استفهامهایی در آن هست که به صورت غیرمستقیم بیان شده است. در این تحقیق به جستجوی استفهامهای مجازی قرآن کریم پرداخته شده است. استفهام از اقسام انشای طلبی است و انشایی در ذیل علم معانی قرار می‌گیرد. به استفهام، انشایی می‌گویند؛ زیرا متکلم طلب چیزی می‌کند که هنگام سؤال وجود ندارد. استفهام در یک تقسیم‌بندی کلی به دو نوع حقیقی و مجازی تقسیم می‌شود. در استفهام حقیقی یا توضیحی، انسان از مسائلی بی‌خبر است و مایل به درک حقیقت آنهاست؛ ولی در استفهام مجازی یا

* تاریخ دریافت مقاله: ۸۶/۴/۱۷ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۸۶/۸/۱
نشانی پست الکترونیک نویسنده: Sh Beygi@Rose shirazu.ac.ir

اعتراضی هدف توضیح نیست، بلکه ایراد است که عبارتند از: ۱- انکار
۲- تقریر ۳- توییح ۴- تعجب ۵- تسویه ۶- تهکم ۷- تحضیض ۸-
۹- تعظیم ۱۰- تهدید ۱۱- تنبیه ۱۲- استبعاد

واژگان کلیدی

آیات، ادبی، پرشی، تحلیل، قرآن، کاربردهای مجازی

۱- مقدمه

قرآن کتاب الهی و کلام حق تعالی، بزرگترین معجزه جاودانه آخرین پیام آور الهی و عصاره و چکیده همه کتابهای آسمانی است. یگانه کتابی که می تواند همه خواسته های جوامع بشری را در همه ابعاد به بهترین شکل برآورده سازد و انسان را به سوی عالی ترین مراتب رشد و کمال انسانی رهنمون شود. برای دستیابی به این امور، بهترین و زیباترین روشهای حکیمانه را به کار برده است، از جمله این روشها زینت بخشیدن کلام با پرسشهایی است که آدمی را به طور غیرمستقیم در جهت برنامه ای انسان ساز سوق می دهد. زیرا طرح مسائل به صورت سؤال و جواب، انسان را وادار می سازد که پاسخ را از درون وجدان و قلب خویش بشنود و آن را فکر و تشخیص خود بداند و به عنوان طرح و فکری آشنا به آن بنگرد.

با توجه به این نکته بسیار مهم است که بیش از هزار آیه از آیات قرآنی دارای استفهام است و تقریباً ۵۷۷ آیه از این آیات، استفهامهایی است که از سوی خداوند خطاب به کفار، مشرکان و منکران صورت گرفته است. با توجه به اینکه خداوند متعال، حکیم علی الاطلاق است، غرض او از این استفهامها آگاهی یافتن نسبت به مجهول نیست، بلکه به دلیل و اغراض بلاغی خاصی کلام خویش را به استفهام مجازی آراسته است. در هریک از این استفهامها راز و رمز و حکمتی نهفته است که در متن مقاله به شرح آن پرداخته شده است.

۲- سؤالات تحقیق

- ۱- انواع معانی استفهام مجازی، که در قرآن به کار رفته، کدام است؟
- ۲- این استفهامها با چه ادواتی در قرآن به کار رفته اند؟
- ۳- آیاتی از قرآن، که استفهام در آنها مجازی است، جزء کدام یک از این انواع هستند؟

۴- نظر علمای علوم بلاغت و مفسران در مورد این آیات چیست؟
برای پاسخ به این پرسشها لازم است همه استفهامهای مجازی از اول تا آخر
قرآن بررسی شود ذیل این انواع معانی مجازی قرار گیرد.

۳- هدف و ضرورت تحقیق

هدف این تحقیق (تحلیل استفهامهای مجازی یا غیرحقیقی که از سوی
خداوند صادر شده است) را می‌توان چنین بیان کرد:
همان‌طور که گفته شد، استفهام به عنوان یکی از اقسام انشاطلی، بیش از هزار
مورد در قرآن کریم وجود دارد. خداوند متعال با جای دادن این گونه استفهامها
در لابه لای آیات قرآن کریم از سویی بر فصاحت و زیبایی کلامش افزوده است.
از سوی دیگر، ذهن مخاطب را به اموری متوجه می‌سازد که لازم است در این
امور به تفکر بیشتر پردازد و در زندگی و احوال خود تغییراتی دهد تا به این
وسیله به معرفت خداوند و کمالات انسان برسد.

۴- انواع استفهامهای مجازی در قرآن

انکار

تقریر

توییح

تعجب

تسویه

تهگم

تحضیض

امر

تعظیم و تفخیم

تهدید و وعید

تنبیه و توجه دادن

استبعاد

حال به شرح تفصیلی هر کدام از استفهامهای مجازی پرداخته می‌شود:

۴-۱- انکار

انکار، اولین نوع استفهام مجازی است که معنی آن نفی و ما بعد آن منفی است. بنابراین، گاهی با «لا» می‌آید؛ مانند فرموده خداوند: *فهل يهلك الا القوم الفاسقون* (احقاف/۳۵) و *هل نجازى الا الكفور* [سبأ/۱۷] و گاهی بر منفی عطف شده است در فرموده خداوند: *[أنؤمن لبشرين مثلنا]* (مؤمنون/۴۷) یعنی *لانؤمن، [ألکم الذکر و له الاثنی]* (طور/۳۹) یعنی: *لايكون هذا و بسیار می‌شود که تکذیب نیز همراه آن است و آن در ماضی به معنی «لم یکن» و در مستقبل به معنی «لايكون» است؛ مانند [أفأصفاکم ربکم بالبنین]* (اسراء/۴۰) یعنی: *لم یفعل ذلك، [أنلزمکوها و أنتم لها کارهون]* (هود/۲۸) یعنی *لايكون هذا الإلزام*. (الاتقان، ج ۲، ص ۲۵۲).

استفهام به معنی انکار به دو نوع ۱- انکار ابطالی و ۲- انکار توییخی تقسیم می‌شود. این معانی مجازی به حسب جوهره معنوی خود اقتضا دارد که: ۱- انکار وقوع ما بعد همزه ۲- ابطال ادعای مدعی وقوع آن. هرگاه جمله‌ای بعد از ادات استفهام، نفی و انکار گردد و بعد از ادات نیز جمله منفی بیاید، لازم می‌آید که کلام، مثبت معنا شود؛ زیرا لازمه نفی کردن شیء منفی اثبات است؛ مثل آیه شریفه *ألّیس الله بکاف عبده* (زمر/۳۶) معنای آن «الله کاف عبده» است. قابل توجه است که همزه انکار و «لیس» به دلیل تبدیل شدن معنای جمله به اثبات ذکر نشده است و همچنین باء «بکاف» چون این حرف در خبر «لیس»، که منفی است، می‌آید؛ بعد از تبدیل به اثبات حذف شده است (ترجمه و شرح مغنی الادیب، ج ۱، صص ۴۱-۳۹)؛ شاهد مثال:

أتأمرون الناس بالبرّ و تنسون أنفسکم و أنتم تتلون الكتاب أفلا تعقلون (بقره/۴۴): آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید با اینکه شما کتاب [خدا] را می‌خوانید؟ آیا [هیچ] نمی‌اندیشید؟
خداوند در این آیه، دانشمندان را بر ترک اسلام و آیینی که می‌دانند حق است و دیگران را نیز به آن ترغیب می‌کنند، توییخ و سرزنش کرده است. توییخ آنان از این نظر است که به نیکی فرمان می‌دادند و خود، بدان عمل نمی‌کردند (مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۵۵).

زمخشری می‌گوید: «(أتأمرون) همزه برای تقریر با توییخ و تعجب از حال ایشان است و همزه در قسمت دوم (أفلا تعقلون) برای توییخ است» (الکشاف، ج ۱، ص ۱۳۳).

محي الدين الدرؤيش مي گويد: «همزه براي استفهام انكاري است، بلكه اينجا از انكاري به توبيخي و سرزنشي و تعجب از حال آن يهوديان تجاوز کرده است» (اعراب القرآن الكريم و بيانه، ج ۱، ص ۹۴).

۴-۲- تقرير

دومين معنای مجازی همزه، تقرير و معنای آن، اين است که ما مخاطب را به اقرار و اعتراف به امري که نزد آن مخاطب ثبوت و انجام يا انتفا و انجام ندادن آن، مستقر و مسلم است، وادار كنيم تا اينکه او به وقوع و يا عدم وقوع آن اقرار کند. (ترجمه و شرح مغنی الأديب، ج ۱، ص ۴۱) يا به عبارتی ديگر، واداشتن مخاطب بر اقرار و اعتراف به امري است که نزد او ثابت است (الاتقان، ج ۲، صص ۲۵۳-۲۵۲).

جمله با تقرير موجب است، لذا تصريح موجب بر آن عطف شده و يا بر صريح موجب عطف مي گردد. گونه اول مانند فرموده خدای تعالی: ألم نشرح لك صدرک* و وضعنا عنك وزرک (شرح/ ۱ و ۲) گونه دوم مثل أكذبتم بآياتي و لم تحيطوا بها (نمل/ ۸۴) در حقيقت استفهام تقرير همان استفهام انكار است و انكار نفی است که بر نفی داخل شده و نفی نفی اثبات است؛ از اين نمونه است: ألسن بر بكم (اعراف/ ۱۷۲) (همان، ص ۲۵۳).

الف- شاهد مثال: قال يا آدم أنبئهم بأسمائهم فلما أنبأهم بأسمائهم قال ألم أقل لكم إني أعلم غيب السموات والأرض و أعلم ما تبدون و ما كنتم تكتمون» (بقره/ ۳۳) «ای آدم، ایشان را از اسامي آنان خبر ده» و چون [آدم] ایشان را از اسماءشان خبر داد، فرمود: «آيا به شما نگفتم که من نهفته اسمانها و زمين را می دانم و آنچه را آشكار می كنيد و آنچه را پنهان می داشتيد، می دانم؟»

محي الدين الدرؤيش همزه را براي استفهام تقريری می داند (اعراب القرآن الكريم و بيانه، ج ۱، ص ۸۲) ولی سيوطی در الاتقان استفهام اين آيه را به معنی یادآوری دانسته است. (الاتقان، ج ۲، ص ۲۵۴).

ب- ألم نجعل له عينين و لساناً و شفتين (بلد/ ۹): آيا دو چشمش نداده ايم؟ و زبانی و دو لب؟ «همزه براي استفهام تقريری است» (اعراب القرآن الكريم و بيانه، ج ۱، ص ۴۸۸).

ج- ألم يجدك يتيماً فأوى (ضحى/ ۶): مگر نه تو را یتيم يافت، پس پناه داد؟

«همزه برای استفهام تقریری است» (الجدول فی اعراب القرآن، ج ۱۵، ص ۳۵۳).

د- ألم نشرح لك صدرک (شرح/۱): آیا برای تو سینه‌ات را نگشاده‌ایم؟ بعضی‌ها استفهام در آیه «ألم نشرح» را تقریری گرفته‌اند (ترجمه جواهر البلاغه، ج ۱، ص ۱۵۷؛ الاتقان، ج ۲، ص ۲۵۳؛ ترجمه و شرح مختصر المعانی، ج ۲، ص ۳۰۶).

و محی الدین الدریش همزه را برای استفهام تقریری گرفته است (اعراب القرآن الکریم و بیانه، ج ۱۰، ص ۵۱۴).

۴-۳- توییخ یا عتاب و سرزنش

سومین معنای مجازی استفهام، توییخ است. بعضی آن را از قبیل انکار شمرده‌اند و انکار توییخی می‌نامند. معنای توییخ این است که آنچه ما بعدش واقع شده باشد، شایسته است نفی شود. پس نفی در اینجا از روی عمد و قصد نیست، ولی اثبات مقصود است و از این قسم به تفریع نیز تعبیر می‌شود (الاتقان، ج ۲، ص ۲۵۲). بیشترین نوع توییخ در امر ثابتی واقع می‌شود که بر اجرای آن توییخ و سرزنش می‌گردد و یا بر ترک فعلی که شایسته بود انجام شود، نیز توییخ می‌کنند؛ مانند آیه شریفه و ما ذا علیهم لو آمنوا بالله و الیوم الآخر و أنفقوا مما رزقهم الله و کان الله بهم علیما (نساء/۳۹): «اگر به خدا و روز بازپسین ایمان می‌آوردند و از آنچه خدا به آنان روزی داده، انفاق می‌کردند، چه زبانی برایشان داشت؟ و خدا به [کار] دانا است.»

استفهام انکاری توییخی و سرزنشی به حسب خصوصیت معنای خود دو اقتضا و لازمه دارد: ۱- مضمون بعد از همزه، شی‌ای منکر و ناپسند است.

۲- مضمون جمله بعد از آن، واقع شده، و فاعل آن مورد توییخ و ملامت و مستحق عقاب است (مغنی الأدیب، ج ۱، صص ۴۱-۴۰)؛ شاهد مثال:

الف- و إذا لقوا الذین آمنوا قالوا آمنا و إذا خلا بعضهم إلى بعض قالوا أتحدثونم بما فتح الله علیکم لیحاجوکم به عند ربکم أفلا تعقلون (بقره/۷۶).

و [همین یهودیان] چون با کسانی که ایمان آورده‌اند، برخورد کنند، می‌گویند: «ما ایمان آورده‌ایم» و وقتی با همدیگر خلوت می‌کنند، می‌گویند: «چرا از آنچه خداوند بر شما گشوده است برای آنان حکایت می‌کنید تا آنان به [استناد] آن، پیش پروردگارتان بر ضد شما استدلال کنند؟ آیا فکر نمی‌کنید؟

استفهام در آیه شریفه توییخی است.

ب- یا ایها الإنسان ما غرک بریک الکریم (انفطار/۶): ای انسان، چه چیز تو را درباره پروردگار بزرگوارت مغرور ساخته؟

علامه طباطبایی (ره) ذیل این آیه می‌نویسد: «این آیه شریفه انسان را مورد عتاب قرار داده، سرزنش می‌کند و منظور از این انسان، افرادی هستند که منکر روز جزايند» (المیزان، ج ۲۰، ص ۳۶۷) و محی‌الدین درویش اشاره دارد که استفهام تعجیب است (اعراب القرآن الکریم و بیان، ج ۱۰، ص ۴۰۲).

۴-۴- تعجب

تعجب یا تعجیب (= به تعجب واداشتن) چهارمین معنایی است که برای استفهام مجازی در نظر گرفته شده است و آن اظهار شگفتی از وقوع جمله ما بعد ادات استفهام است؛ مانند آیه شریفه ألم تر إلی ربک کیف مد الظل (فرقان/۴۵). در این آیه شریفه همزه یقیناً برای استفهام حقیقی نیست، زیرا خداوند نیاز به طلب فهم و استفهام ندارد، بلکه برای تعجب از عدم ایمان بعضی از مردم با وجود این همه نشانه و آیات الهی است که یکی از آنها گستراندن سایه است. در اینجا لازم است گفته شود که تعجب نیز از خداوند، ممکن نیست، بلکه اینجا کلام به حسب و سبک محاوره مردم جاری است (ترجمه و شرح مغنی الادیب، ج ۱، ص ۴۴). شاهد مثال:

کیف تکفرون بالله و کنتم أمواتا فأحیاکم ثم یمیتکم ثم یحییکم ثم إلیه ترجعون (بقره/۲۸): چگونه خدا را منکرید با اینکه مردگانی بودید و شما را زنده کرد، باز شما را می‌میراند [و] باز زنده می‌کند، [و] آنگاه به سوی او بازگردانده می‌شوید؟

از نظر علامه طبرسی، کلمه کیف در اینجا برای تعجب و توییخ و سرزنش است (ترجمه و شرح مغنی الادیب، ج ۱، ص ۴۴) ولی زمخشری استفهام را برای انکار و تعجب می‌داند (الکشاف، ج ۱، ص ۱۲۱) و در الإقتان سیوطی آمده است که «استفهام در این آیه، تعجب است» (الإقتان، ج ۲، ص ۲۵۳).

۴-۵- تسویه

پنجمین معنای استفهام مجازی، تسویه است به این معنا که همزه بیان‌کننده این نکته است که «نسبت دو شیء مذکور بعد از آن در نظر متکلم، تساوی است.»

لازم به ذکر است که همیشه یکی از این موارد بعد از همزه و دیگری بعد از «أم» متصله یا «أو» ذکر می‌شود.

شایان ذکر است که قاعده و ملاک همزه تسویه این است که می‌توان به جای آن دو جمله بعد از همزه و «أم» مصدر فعل آنها قرار گیرد و خود همزه حذف و به جای «أم» واو آورد و این از مواردی است که فعل به تأویل مصدر برده می‌شود بدون وجود حرف مصدری؛ مانند آیه شریفه: سواء عليهم أستغفرت لهم أم لم تستغفر لهم لن يغفر الله لهم إن الله لا يهدي القوم الفاسقين (منافقون/۶) که همزه تسویه بیانگر نسبت تساوی بین طلب غفران کردن پیامبر برای منافقین و عدم آن در ارتباط با عدم هدایت آنها از ناحیه خداوند است. باید توجه داشت که در آیه، همزه باب استفعال در فعل بعد از همزه حذف شده است.

مسأله نحوی اینجا این است که بعضی از نحوین مثل صبان و دمامینی گفته‌اند: «همزه تسویه تنها بعد از کلمه «سواء» واقع می‌شود و قرینه صارفه آن فقط همین کلمه است و این به دلیل خصوصیت خاص این کلمه است که خودداری به معنای تسویه و تساوی است.» لکن این توهمی بیش نیست و در رد آن گفته شده است «لیس كذلك» یعنی حق و واقع چنین نیست و همان طور که همزه تسویه بعد از این کلمه می‌آید، بعد از کلماتی همانند «ما ابالی» که دلالت بر عدم اهتمام و عدم درایت و علم می‌کنند، نیز واقع می‌شود و این نظریه را ازهری، سید علی خان کبیر، ابوالبقاء و عباس حسن و جمع دیگری از علماء اختیار نموده‌اند. همان گونه که ملاحظه می‌شود، همزه تسویه فقط بعد از «سواء» در عبارات فصیح واقع نشده است. بنابراین، نتیجه می‌گیریم که اولاً قرینه صارفه، تنها کلمه «سواء» نیست و ثانیاً معنای تسویه از خود همزه است (ترجمه و شرح مغنی الأديب، ج ۱، ص ۳۷).

این نوع استفهام مجازی در قرآن نادر است؛ شاهد مثال:

إن الذين كفروا سواء عليهم أأنذرتهم أم لم تنذرهم لا يؤمنون (بقره/۶): در حقیقت کسانی که کفر ورزیدند چه بیمشان دهی، چه بیمشان ندهی، برایشان یکسان است، [آنها] نخواهند گروید.

علامه طباطبایی (ره) ذیل این آیه می‌نویسد: «این آیه در مورد کسانی است که کفر در دل‌هایشان ریشه کرده است. کسی که کفرش سطحی است در اثر انذار و اندرز دست از کفر برمی‌دارد و کسی که انذار و عدم آن به حالش یکسان

است، معلوم است که کفر در دلش ریشه‌دار گشته است» (المیزان، ج ۱، ص ۸۲). همچنین، سیوطی در الإتقان، صاحب جواهر البلاغه و صاحب ترجمه مختصر المعانی (کرانه‌ها) استفهام در این آیه را به معنی تسویه آورده‌اند (الإتقان، ج ۲، ص ۲۵۴؛ جواهر البلاغه، ج ۱، ص ۱۵۶ و کرانه‌ها، ج ۲، ص ۳۲۰).

۴-۶- تهکیم (استهزاء)

ششمین معنای استفهام مجازی، تهکیم و استهزاء کردن (مسخره کردن) است که «قصده مسخره نمودن مخاطب بر فعلی» (انوار البلاغه، ص ۷۸) است؛ شاهد مثال:

الف- و كذلك فتنا بعضهم ببعض ليقولوا أهؤلاء من الله عليهم من بيننا أليس الله بأعلم بالشاكرين (انعام/۵۳): بدین گونه ما برخی از آنان را به برخی دیگر آزمودیم تا بگویند: «آیا اینانند که از میان ما، خدا بر ایشان منت نهاده است؟» آیا خدا به [حال] سپاسگزاران داناتر نیست؟

«استفهام در جمله «أهؤلاء» برای استهزاء است» (المیزان، ج ۷، ص ۱۴۷).

ب- سيقول الذين أشركوا لو شاء الله ما أشركنا ولا آباؤنا ولا حرمنا من شيء كذلك كذب الذين من قبلهم حتى ذاقوا بأسنا قل هل عندكم من علم فتخرجوه لنا إن تتبعون إلا الظن وإن أنتم إلا تخرصون (انعام/۱۴۸): کسانی که شرک آوردند به زودی خواهند گفت: «اگر خدا می‌خواست، نه ما و نه پدرانمان شرک نمی‌آوردیم، و چیزی را [خودسرانه] تحریم نمی‌کردیم.» کسانی هم که پیش از آنان بودند، همین گونه [پیامبران خود را] تکذیب کردند تا عقوبت ما را چشیدند. بگو: «آیا نزد شما دانشی هست که آن را برای ما آشکار کنید؟ شما جز از گمان پیروی نمی‌کنید و جز دروغ نمی‌گویید.

خداوند در این آیه با درخواست این سؤال، مشرکان را مورد استهزاء قرار داده است (جوامع الجامع، ج ۲، ص ۲۷۵).

۴-۷- تحضيض

هفتمین معنایی که از استفهام مجازی به دست می‌آید، تشویق و ترغیب است؛

شاهد مثال:

من ذا الذي يقرض الله قرضا حسنا فيضاعفه له أضعافا كثيرة والله يقبض ويبسط واليه ترجعون (بقره/۲۴۵): کیست آن کس که به [بندگان] خدا وام نیکویی دهد تا [خدا] آن را برای او چند برابر بیفزاید؟ و خداست که [در معیشت بندگان] تنگی و گشایش پدید می‌آورد و به سوی او بازگردانده می‌شود.

«استفهام در این آیه با توجه به سیاق، دعوت و تشویق است. در نتیجه ذهن شنونده تا حدی از تحمل سنگینی امر استراحت می‌کند و نشاط می‌یابد» (المیزان، ج ۲، ص ۴۳۲). سیوطی هم این استفهام آیه را به معنی ترغیب ذکر کرده است (الایقان، ج ۲، ص ۲۵۵).

۴-۸- امر

امر هشتمین معنایی است که از استفهام مجازی به دست می‌آید. در معنی الأدیب آمده است که «برای دستور و فرمان و امر از همزه استفهام استفاده می‌شود؛ گویا همزه استفهام مفید معنای صیغه امر است» (ترجمه و شرح معنی الأدیب، ج ۱، صص ۴۴-۴۳)؛ شاهد مثال:

الف- فإِنْ حَاجُوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعْنَ وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ أَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ (آل عمران/۲۰): پس اگر با تو به محاجّه برخاستند، بگو: «من خود را تسلیم خدا نموده‌ام و هر که مرا پیروی کرده [نیز خود را تسلیم خدا نموده است]» و به کسانی که اهل کتابند و به مشرکان بگو: «آیا اسلام آورده‌اید؟» پس اگر اسلام آوردند، قطعاً هدایت یافته‌اند و اگر روی برتافتند، فقط رساندن پیام بر عهده توست و خداوند به [امور] بندگان بیناست.

«ءأسلمتم» این جمله در لفظ استفهام ولی متضمن معنای امر است؛ یعنی اسلام بیاورید» (جوامع الجامع، ج ۱، ص ۳۹۲).

ب- فإلّم يستجيبوا لكم فاعلموا أنّما أنزل بعلم الله وأن لا إله إلا هو فهل أنتم مسلمون (هود/۱۴): پس اگر شما را اجابت نکردند، بدانید که آنچه نازل شده است به علم خداست و اینکه معبودی جز او نیست. پس آیا شما گردن می‌نهدید؟ «این سؤال در حقیقت امر به اسلام آوردن است» (المیزان، ج ۱۰، ص ۲۵۶).

۴-۹- تعظیم و تفخیم

تعظیم و تفخیم، نهمین معنای استفهام مجازی است؛ شاهد مثال:

الف- صبغة الله و من أحسن من الله صبغه و نحن له عابدون (بقره/۱۳۸): این است نگارگری الهی و کیست خوش‌نگارتر از خدا؟ و ما او را پرستندگانیم.

«من» در آیه برای استفهام مجازی از نوع عظمت و بزرگداشت است.

ب- والذین إذا فعلوا فاحشة أو ظلموا أنفسهم ذكروا الله فاستغفروا لذنوبهم و من يغفر الذنوب إلا الله و لم يصرّوا على ما فعلوا و هم يعلمون (آل عمران/۱۳۵):

آنان که چون کار زشتی کنند یا بر خود ستم روا دارند، خدا را به یاد می‌آورند و برای گناهانشان آمرزش می‌خواهند و چه کسی جز خدا گناهان را می‌آمرزد؟ و بر آنچه مرتکب شده‌اند با آنکه می‌دانند [که گناه است] پافشاری نمی‌کنند.

استفهام در آیه شریفه برای تعظیم است.

ج- والذین آمنوا و عملوا الصالحات سندخلهم جنات تجري من تحتها الأنهار خالدين فيها أبداً وعدا لله حقاً و من أصدق من الله قيلاً (نساء/۱۲۲): کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند به زودی آنان را در بوستانهایی که از زیر [درختان] آن، نهرها روان است، در آوریم. همیشه در آن جاودانند. وعده خدا راست است و چه کسی در سخن از خدا راستگوتر است؟

استفهام در آیه شریفه برای عظمت و بزرگی است.

د- إنا انزلناه في ليلة القدر (قدر/۱) ما [قرآن را] را در شب قدر نازل کردیم و ما أدراك ما ليلة القدر (قدر/۲) و از شب قدر، چه آگاهی کرد.

این جمله کنایه از جلالت قدر آن شب و عظمت منزلتش است؛ زیرا با اینکه ممکن بود در نوبت دوم ضمیر ليلة القدر را بیاورد، خود آن را تکرار کرد.

۴-۱۰- تهديد و وعيد

دهمین معنای استفهام مجازی، تهدید و وعید است؛ مثلاً هرگاه نسبت به متکلم بی ادبی کرده باشد و بداند که متکلم به سبب بی ادبی‌ای که از او صادر شده، چگونه او را تأدیب می‌کند؛ مثلاً به او بگویند: «ألم أؤدب فلاناً؟» چون متکلم و مخاطب هر دو علم به وقوع آن تأدیب دارند، نمی‌توانیم بگوییم استفهام حقیقی است. این معنی مجازی، مناسب مقام تهدید مخاطب است بر آن بی ادبی‌ای که انجام داده بود؛ شاهد مثال:

الف- فكيف إذا جمعناهم ليوم لا ريب فيه و وقيت كل نفس ما كسبت و هم لا يظلمون (آل عمران/۲۵): پس چگونه خواهد بود [حالشان] آن گاه که آنان را در روزی که هیچ شکی در آن نیست، گرد آوریم و به هر کس [پاداش] دستاوردش به تمام [و کمال] داده شود و به آنان ستم نرسد؟

«کلمه «کیف» بر سر چیزی نظیر «یصنعون» آمده که در کلام نیست، بلکه در تقدیر است، و کلام می‌فهماند که آن چیست و در این آیه تهدیدی است به اهل کتاب...» (المیزان، ج ۳، ص ۱۹۵).

ب- قد خلت من قبلکم سنن فسیروا فی الأرض فانظروا کیف کان عاقبة المکذبین (آل عمران/۱۲۷): قطعاً پیش از شما سَنَّتْهایی [بوده و] سپری شده است. پس در زمین بگردید و بنگرید که فرجام تکذیب کنندگان چگونه بوده است؟ استفهام در آیه شریفه برای تهدید و وعید تکذیب کنندگان و همچنین، تنبیه آنان بر فرجام تکذیب کنندگان است.

ج- فکیف تتقون إن کفرتم یوماً یجعل الولدان شیبا (مزمل/۱۷): پس اگر کفر بورزید، چگونه از روزی که کودکان را پیر می گرداند، پرهیز کنید کرد؟ استفهام در آیه شریفه برای تهدید و وعید از روزی است که کودکان پیر می شوند.

۴-۱۱- تنبیه و توجه دادن

تنبیه و توجه دادن، آگاه کردن کسی نسبت به چیزی یا موضوعی است؛ شاهد مثال:

الف- قل هل أنبئکم بشرّ من ذلک مثوبة عندالله، من لعنه الله و غضب علیه و جعل منهم القردة و الخنازیر و عبدالطاغوت أولئک شرّ مکاناً و أضلّ عن سواء السبیل» (مائده/۶۰): بگو: «آیا شما را به بدتر از [صاحبان] این کیفر در پیشگاه خدا، خبر دهم؟ همانان که خدا لعنتشان کرده و بر آنان خشم گرفته و از آنان بوزیگان و خوکان پدید آورده، و آنان که طاغوت را پرستش کرده اند. اینانند که از نظر منزلت، بدتر و از راه راست گمراهترند.

استفهام در آیه شریفه برای تنبیه مخاطب به بدترین کیفری است که نزد خداوند است.

ب- قل إن أدری أفریب ما توعدون أم یجعل له ربی أمدا (جن/۲۵): بگو: «نمی دانم آنچه را وعده داده شده اید، نزدیک است یا پروردگام برای آن زمانی نهاده است؟»

همزه در آیه شریفه برای تنبیه و توجه دادن به روز قیامت است.

۴-۱۲- استبعاد

استبعاد یعنی دور شمردن و بعید دانستن کاری یا چیزی است. آیاتی از قرآن که ذیل این معنی از استفهام مجازی قرار می گیرد، بسیار اندک است که در کنار معانی دیگر استفهام به استبعاد هم اشاره شده است؛ مثلاً گفته اند: «همزه برای انکار و استبعاد است.» عالمان علم بلاغت فقط یک مورد قرآنی را به معنی استبعاد ذکر کرده اند که در ذیل به شرح آن می پردازیم:

این مورد در سوره دخان و به قرار زیر است:

۱- أُنَى لَهُم الذِّكْرَى وَ قَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ (دخان/۱۳): آنان را کجا [جای]

پند [گرفتن] است و حال اینکه به یقین برای آنان پیامبری روشنگر آمده است.

در آیات قبل، ابتدا آمدن دود آسمانی تصویر، و سخن کفار نقل شده است که هنگام دیدن عذاب می گویند: ما ایمان آوریم و آن گاه سخن خداوند متعال که فرمود: «کجا تذکر خواهند یافت.» (أُنَى لَهُم الذِّكْرَى) و با این سخن تذکر یافتن آنان را بعید دانسته است؛ چون آنچه به دست رسول اکرم (ص) آشکار شد از زایل شدن دود آسمانی مهمتر بود، ولی آنان روی برگرداندند و ایمان نیاورند و مانند جایی که ادات استفهام برای استبعاد یعنی دور شمردن بیاید. آیه شریفه «أُنَى لَهُم الذِّكْرَى»: کجا برای آنان به یاد افتادنی خواهد بود؟ یعنی: بعید است به یاد بیفتند و متذکر گردند (کرانه‌ها، ج ۲، صص ۳۱۸-۳۱۷).

محمی الدین الدریش هم استفهام در عبارت «أُنَى لَهُم الذِّكْرَى» را به معنی

استبعاد به شمار آورده است (اعراب القرآن الکریم و بیان، ج ۹، ص ۱۲۱).

۵- بسآمد پرسشهای مجازی در قرآن کریم

اینک آیاتی که در قرآن این پرسشهای مجازی در آنها مطرح شده بر اساس

تقسیم بندی دوازده گانه که شرح آن داده شد به ترتیب سوره‌های مبارک قرآن، شماره آنها ذکر می گردد:

۵-۱- استفهام انکاری

بقـره (۴۴-۷۵-۱۰۰-۱۰۶-۱۰۷-۱۰۸-۱۱۴-۱۳۳-۱۳۹-۱۴۰-۱۷۰-۲۱۰-۲۱۴-

۲۵۵-۲۶۶) آل عمران (۶۵-۸۰-۸۳-۸۶-۹۸-۹۹-۱۰۱-۱۳۵-۱۴۲-۱۴۴-۱۶۲-

۱۶۵) نساء (۲۰-۵۳-۸۲-۸۸-۱۰۹-۱۳۹-۱۴۴-۱۴۷) مائده (۱۷-۱۸-۵۰-۵۹-۷۴-

۱۰۴) انعام (۱۴-۱۹-۲۱-۳۲-۴۰-۴۷-۵۰-۷۱-۹۳-۱۲۲-۱۴۴-۱۵۸-۱۶۴) اعراف

(۲۸-۳۲-۳۷-۵۳-۶۳-۶۵-۶۹-۹۷-۹۸-۹۹-۱۸۴-۱۹۱-۱۹۵) توبه (۷-۱۶-۱۹-

۳۸-۴۳-۶۳-۷۸-۱۰۴-۱۲۶) یونس (۲-۳-۱۶-۱۷-۱۸-۳۲-۴۲-۴۳-۵۱-۵۹-۶۸-

۹۹-۱۰۱) هود (۱۷-۱۸-۲۴-۲۸) یوسف (۱۰۷-۱۰۹) رعد (۱۶-۱۹-۳۳-۴۱)

نحل (۱۷-۲۳-۳۵-۴۵-۴۶-۴۷-۴۸-۵۲-۷۱-۷۲-۷۵-۷۶) اسراء (۴۰-۶۸-۹۹)

کهف (۹-۱۵-۵۰-۵۷-۱۰۲) مریم (۶۵-۶۷-۷۸-۹۸) انبیاء (۶-۱۰-۲۱-۲۴-۳۰-

۳۴-۴۳) حج (۴۶) مؤمنون (۵۵-۵۶-۶۸-۶۹-۷۰-۷۲-۸۰-۸۴-۸۵-۸۶-۸۷-۱۱۵)

فرقان (۴۴-۴۳) شعراء (۷-۱۱-۱۹۷-۲۰۵ تا ۲۰۷) نمل (۱۴-۶۰-۹۰) قصص (۵۷-۶۰-۶۱-۷۱-۷۲-۷۸) عنكبوت (۲-۴-۱۰-۱۹-۵۱-۶۷-۶۸) روم (۸-۹-۲۸-۲۹-۳۵-۳۷-۴۰) لقمان (۲۰-۲۱-۲۹-۳۱) سجده (۳-۴-۱۸-۲۲-۲۶-۲۷) احزاب (۶۳) سبأ (۹-۱۷-۳۳) فاطر (۸-۳۷-۴۰-۴۳-۴۴) یس (۳۵-۶۲-۶۶-۶۸-۷۳-۸۱) صافات (۶۲-۱۳۸-۱۴۹-۱۵۰-۱۵۳-۱۵۶) ص (۸-۹-۲۸-۷۵) زمر (۹-۱۹-۲۲-۲۴-۲۹-۴۳-۵۲) غافر (۲۱-۸۲) فصلت (۴۰-۵۳) شوری (۹-۲۱-۲۴) زخرف (۵-۱۶-۱۸-۱۹-۲۱-۳۲-۴۰-۴۵-۶۶-۷۹-۸۰-۸۷) دخان (۳۷) جائیه (۶-۲۱-۲۳) احقاف (۴-۵-۳۳-۳۴-۳۵) محمّد (۱۰-۱۴-۱۵-۲۴) فتح (۱۱) حجرات (۱۲) ق (۳۰) ذاریات (۲۱-۳۵) طور (۱۵-۳۲-۳۵-۳۷-۳۹-۴۰-۴۱) نجم (۱۲-۱۹-۲۱-۲۴-۳۵-۳۶-۳۷-۵۵-۵۹-۶۰) قمر (۲۵-۴۳) رحمن (۱۳-۶۰) واقعه (۵۸-۶۳-۶۸-۷۰-۷۱-۸۱-۸۲) مجادله (۷۷) صف (۲-۷) تغابن (۵۷) ملک (۱۴-۱۶-۱۹-۲۱-۲۲) قلم (۳۷-۳۸-۳۹-۴۰-۴۱-۴۶-۴۷) حاقّه (۸) معارج (۳۸) مدثر (۴۹) قیامت (۳-۴-۳۶-۴۰) مرسلات (۱۶-۲۰-۲۵-۵۰) نبأ (۶ و ۷) عبس (۷) انفطار (۱۷ و ۱۸) مطففین (۴) غاشیه (۱۷-۱۸-۱۹-۲۰) فجر (۲۳) بلد (۵-۷) عادیات (۹-۱۰) فیل (۱) ماعون (۱).

۲-۵- تقریری

بقره (۳۳-۴۴-۷۷-۸۰-۲۴۳-۲۴۶-۲۶۰) آل عمران (۸۱) نساء (۴۴-۵۱) مائده (۴۰) انعام (۶-۱۲-۴۶-۶۳-۹۱) اعراف (۴۹-۱۶۹-۱۷۲) توبه (۷۰-۱۰۹) هود (۱۷-۸۱) یوسف (۱۰۹) رعد (۳۱) ابراهیم (۹-۱۹-۲۴) نحل (۷۹) مریم (۸۳) طه (۹-۱۷) انبیاء (۸۰-۱۰۸) حج (۱۸-۴۴-۶۳-۶۵-۷۰) مؤمنون (۱۰۵) نور (۴۱-۴۳-۵۰) فرقان (۴۰) شعراء (۲۲۵) نمل (۵۹-۶۱-۶۲-۶۳-۶۴) قصص (۶۵) عنكبوت (۶۸) فاطر (۳-۲۶-۲۷) یس (۳۱-۷۱) صافات (۱۱) زمر (۶-۲۱-۳۲-۳۶-۳۷-۶۰-۷۱) غافر (۶۹) فصلت (۵۲) احقاف (۱۰) محمّد (۲۲-۲۹) ق (۳۰) ذاریات (۲۴) طور (۴۲) نجم (۳۳-۳۴) قمر (۱۵-۱۷-۲۲-۳۲-۴۰-۵۱) واقعه (۵۹) مجادله (۸-۱۳-۱۴) قیامت (۳۷-۳۸) انسان (۱) مرسلات (۵۰) بروج (۱۷-۱۸) طارق (۵ و ۶) بلد (۸-۹) ضحی (۶ تا ۸) شرح (۱ و ۲) تین (۸) علق (۱۴) فیل (۲).

۳-۵- توییح

بقره (۷۶-۸۵-۸۷-۹۱) آل عمران (۶۵-۷۰-۷۱-۹۸-۹۹-۱۸۳) نساء (۳۹) مائده (۶۳-۷۶-۹۱-۱۰۹-۱۱۶) انعام (۲۲-۳۰-۴۳) اعراف (۱۸۵) توبه (۱۶) یونس

(۳۱-۵۰-۵۹-۹۱-۹۸) حجر (۳۲) نحل (۲۷) اسراء (۶۹) طه (۸۹-۱۲۸) انبياء (۵۰) نور (۱۲) فرقان (۱۷-۱۵) شعراء (۹۲-۹۳-۲۰۴) نمل (۸۴-۸۶) قصص (۷۴) سبأ (۴۰) يس (۶۰-۶۲) غافر (۶۲-۸۱) جائيه (۳۱) ق (۳۶) قمر (۳۲-۴۰) حديد (۱۶) تحريم (۱) ملك (۲۰) نازعات (۲۷) تكوير (۹-۲۶).

۵-۴- تعجب

بقره (۲۸-۲۸۵) آل عمران (۲۳-۶۶) نساء (۲۱-۴۱-۴۹-۶۰-۶۲-۷۷-۷۸) مائده (۴۳) انعام (۹۵-۱۱۹) توبه (۳۰) يونس (۳۵) هود (۱۱۶) ابراهيم (۲۸) مريم (۷۷) انبياء (۵۵) فرقان (۴۵) عنكبوت (۶۱) سباء (۵۲) يس (۶۶) ص (۲۱) غافر (۵) فصلت (۹) احقاف (۲۸) محمد (۸۱) طور (۳۸) قلم (۳۶) مدثر (۱۹ و ۲۰) عبس (۱۷ و ۱۸) انشقاق (۲۰) غاشيه (۱) علق (۹ تا ۱۳).

۵-۵- تسويه

بقره (۶) اعراف (۱۹۳) منافقون (۶).

۵-۶- تهكم

انعام (۵۳-۱۴۸) رعد (۳۲) حج (۱۵) صافات (۲۵) ص (۱۰) احقاف (۲۸) محمد (۱۸) طور (۳۸).

۵-۷- تحضيض

بقره (۲۴۵) نساء (۷۵-۸۲) توبه (۱۳-۱۲۲) مؤمنون (۳۲) واقعه (۵۷-۶۲) حديد (۱۱).

۵-۸- امر

آل عمران (۲۰) هود (۱۴) فرقان (۲۰) صف (۱۰).

۵-۹- تعظيم و تفخيم

بقره (۱۳۸) آل عمران (۱۳۵) نساء (۱۲۲-۱۲۵) توبه (۱۱۱) نمل (۶۵) واقعه (۸-۹-۲۷-۴۱) حاقه (۱ و ۲ و ۳) مدثر (۲۶-۲۷) مرسلات (۱۲-۱۴) مطففين (۱۷-۱۸-۱۹) فجر (۵) بلد (۱۲) طارق (۱-۲) قدر (۱-۲).

۵-۱۰- تهديد و وعيد

آل عمران (۲۵-۱۳۷) انعام (۱۱) يونس (۵۲-۶۰) سبأ (۴۵) صافات (۱۷۶) قمر (۱۶) ملك (۱۷-۱۸) محمد (۲۷) مزمل (۱۷) مطففين (۷ تا ۹).

۵-۱۱- تنبيه

مائده (۶۰) اعراف (۵۳) توبه (۵۲) كهف (۱۰۳) حج (۷۲) مؤمنون (۸۸-۸۹) شعراء (۲۲۱) زمر (۳۸) غافر (۱۶) طور (۳۶) ملك (۲۸-۳۰) معارج (۳۶-۳۷) جن (۲۵).

۵-۱۲- استبعاد

دخان (۱۳).

۶- نتیجه گیری

در این تحقیق با عنوان «تحلیل ادبی آیات پرسشی مجازی در قرآن» محدوده بحث به استفهامهای مجازی یعنی آیاتی که در آنها پرسش از ناحیه خداوند صورت گرفته است، منحصر شد. همه این آیات با ادوات پرسشی مانند همزه، هل، ما، متی، ایان، کیف، این، انی، کم، ای و من، صورت پذیرفته است. استفهام مجازی در کتابهای بلاغی به انواع مختلفی تقسیم شده است که ما دوازده نوع از این معانی با توجه به اینکه در کتابهای تفسیری در ذیل آیات به آن اشاره شده بود، مورد بررسی قرار گرفت.

این دوازده مورد عبارتند از: انکار، تقریر، توییح، تعجب، تسویه، تهگم، تحضیض، امر، تعظیم و تفخیم، تهدید و وعید، تنبیه و استبعاد.

بنابراین، آیات استفهامی مورد تحلیل قرار گرفت و ۵۷۷ آیه از قرآن استخراج شد که ۳۱۰ مورد انکاری، ۱۰۰ مورد تقریری، ۵۶ سؤال توییحی، ۱۵ پرسش تنبیهی، ۱۲ مورد تهدید، ۲۰ مورد تعظیم، ۴ مورد امر، ۹ سؤال تحضیض، ۹ پرسش تهگم، ۳ مورد تسویه، ۳۸ مورد تعجب و یک آیه به معنی استبعاد بود. همان طور که ذکر شد، بیشترین استفهامهای مجازی به معنی انکار است که معمولاً با همزه به کار رفته و بعد تقریر و توییح و تعجب و ... است. نادرترین نوع استفهام مجازی، استبعاد است که فقط یک مورد در قرآن به کار رفته است. خداوند با این معانی آنان را مخاطب قرار می‌دهد و در واقع بهترین و زیباترین روش حکیمانه را به کار برده است.

منابع و مأخذ

- ۱- القرآن الکریم. ترجمه فولادوند، محمد مهدی، ۱۳۷۶ ش. قم: دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).
- ۲- الدرریش، محی الدین، ۱۴۱۵ هـ. ق. اعراب القرآن الکریم و بیانہ، بیروت: نشر یمامہ.
- ۳- زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۱۵ هـ. ق. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل، قم: نشر البلاغہ.

- ۴- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، ۱۳۸۲ ش. الأتقان فی علوم القرآن، دکتر سید مهدی حائری قزوینی، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- ۵- صافی، محمود، ۱۳۸۳ ش. الجدول فی اعراب القرآن و صرفه و بیانه، قم: نشر احسان.
- ۶- صفایی بوشهری، غلامعلی، ۱۳۷۹ ش. ترجمه و شرح مغنی الأدیب، قم: انتشارات قدس.
- ۷- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۷۶ ش. المیزان فی تفسیر القرآن. سید محمد باقر همدانی، تهران: انتشارات اسلامی.
- ۸- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۵ ش. جوامع الجامع، ترجمه: گروه ترجمه، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ۹- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۰۸ هـ. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفه.
- ۱۰- عرفان، حسن، ۱۴۱۲ هـ. ق. کرانه‌ها (ترجمه و شرح مختصر المعانی تفتازانی) قم: مؤسسه انتشارات هجرت.
- ۱۱- مازندرانی، محمدهادی بن محمدصالح، ۱۳۷۶ ش. انوارالبلاغه، تهران، نشر قبله.
- ۱۲- الهاشمی، السید احمد، ۱۳۸۱ ش. جواهر البلاغه، حسن عرفان، قم: نشر بلاغت.